

## چالش‌های نقض حقوق کودک در افغانستان

زهرا توکلی<sup>۱</sup>، رسول آقایی<sup>۲</sup>

### چکیده

کودکان نیز مانند بزرگسالان، کرامت انسانی دارند و از حقوق اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی برخوردارند. اساس شخصیت هر انسان در دوران کودکی تشکیل می‌شود، پس اهمیت این دوره بر کسی پوشیده نیست. در این دوره بیشتر از هر زمان دیگری کودک که قشر آینده‌ساز و آسیب‌پذیر جامعه است نیاز به راهنمایی، کمک و حمایت همه‌جانبه خانواده، مدرسه و جامعه دارد. در کشور افغانستان علاوه بر تلاش‌های بین‌المللی در عرصه داخلی نیز از کودکان حمایت می‌شود و حتی قانونی بانام قانون حمایت از طفل در این کشور تصویب شده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، حقوق کودکان را در قوانین افغانستان و کنوانسیون حقوق کودک بررسی می‌کند. هدف از پژوهش حاضر، ارائه علل و عوامل نقض حقوق کودک، بزه‌دیدگی کودک و بررسی قوانین افغانستان درباره نقض حقوق کودک است.

**واژگان کلیدی:** افغانستان، خشونت، حمایت تقنینی، حق، حقوق.

### ۱. مقدمه

افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند سرمایه و منابع انسانی آن جامعه هستند. پیشرفت یک جامعه علاوه بر منابع مناسب مالی، رابطه تنگاتنگی با کیفیت منابع موجود انسانی آن

---

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد معارف و حقوق جزا و جرم‌شناسی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

دارد که در این زمینه کودکان نقش بسزایی ایفا می‌کنند. کودک که قشر آسیب‌پذیر جامعه است در دوران طفولیت قادر به حفظ، نگهداری و دفاع از حقوق خودش نیست. کودک در این دوران نیازمند مراقبت و توجه ویژه است و چون بیش از دیگران در معرض خطر است مانند سایر اقشار جامعه حق زندگی عادلانه و سالم دارد. این همان حقی است که در کنوانسیون حقوق کودک از آن بانام حق ذاتی و طبیعی کودک یاد می‌شود. کودکان بزه‌دیده عبارتند از: کودکانی که حقوق آنها مورد حمله، آسیب، تعرض و دخالت قرار گرفته است که خود کودک توان دفاع از منافع شخصی یا جان خود را نداشته است. کودک بزه‌دیده کودکی است که به دنبال اتفاق افتادن یک جرم به آسیب بدنی، روحی، روانی، درد ورنج عاطفی یا آسیب اساسی به حقوق خود دچار می‌شود.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۲-۱. حق

یکی از مفاهیم اساسی و مهم در نظام‌های حقوقی معاصر، نهاد حق است. حق در لغت به معنی تفویض، ضد و خلاف باطل است. (حسینی زبیدی، ۱۳۸۵، ص ۷۹) برخی از واژه‌شناسان، حق را به حقیقت، راست، درست و صحیح معنا کرده‌اند (قیم، ۱۳۹۳، ص ۷۵۹). در اصطلاح علم حقوق از حق تعاریف مختلفی ارائه شده است. این تعدد تعاریف ناشی از اختلاف نظر درباره مبنا و منشأ آن است. برخی حق را چنین تعریف کرده‌اند: «حق عبارتند از: اعتبارات شرعی یا عقلایی که براساس آن، امتیاز یا توانایی خاصی برای شخص یا اشخاصی در نظر گرفته می‌شود و به مقتضای این توانایی، دارنده حق می‌تواند تصرفی کند یا بهره‌مند شود یا مالی یا کاری را از کسی درخواست کند» (محقق داماد، ۱۳۹۳، ص ۶۳). برخی دیگر می‌گویند: «حق، قدرت و سلطه ارادی است که به موجب آن شخص در حدود قانون بر اعمال دیگران مسلط می‌شود» (ابراهیم منصور، ۱۹۹۹، ص ۲۰۹). برخی دیگر در تعریف حق گفته‌اند: «حق عبارت است از: قدرت، سلطه و امتیاز شخص معین بر شیء یا شخص دیگر که قانون

آن را اعطا یا به رسمیت می‌شناسد» (رسولی، ۱۳۹۳، ص ۲۵). برخی دیگر گفته‌اند: «حق عبارت است از: سلطه و اختیاری که در جامعه معینی برای یک انسان در برابر انسان‌های دیگر یا برای یک انسان در برابر اشیاء به رسمیت شناخته می‌شود. حق انسان در برابر انسان‌های دیگر مثل حق طلبکار در برابر بدهکار، حق زن و شوهر در برابر یکدیگر، حق انسان در برابر اشیاء مثل حق مالک در برابر خانه‌ای که آن را خریده است» (موحد، ۱۳۸۱، ص ۴۲).

## ۲-۲. حقوق

حقوق، مجموع مقررات حاکم بر روابط اجتماعی است. حقوق در این معنی، مجموعه بایدها و نبایدهایی است که اعضای جامعه ملزم به رعایت آن می‌باشند و دولت ضمانت اجرای آنها را برعهده دارد. انسان موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی نیازمند یک سلسله قواعد و مقررات لازم‌الاجراست که روابط اشخاص را تنظیم و تبیین می‌کند. مجموع این قواعد و مقررات اجتماعی که ضمانت اجرای دولتی نیز دارند را حقوق می‌نامند. (دانش پژوه، ۱۳۹۲، ص ۶)

## ۲-۳. دانش حقوق

براساس این معنی، حقوق رشته‌ای است از دانش اجتماعی که به تجزیه و تحلیل قوانین و مقررات الزام‌آور اجتماعی، چگونگی پیدایش وضع و تفسیر و استنباط و سیر تحول آنها می‌پردازد. (دانش پژوه، ۱۳۹۲، ص ۶)

## ۲-۴. جمع حق

یکی از معانی و مفاهیمی که از شنیدن واژه حقوق به ذهن متبادر می‌شود جمع حق است. در هر نظام حقوقی برای تأمین سعادت اجتماعی و فردی انسان و برای جلوگیری از هرگونه تجاوز و تعارض، امتیازات و قدرت‌های قانونی مشخصی اعتبار می‌شود که به هریک از آنها در اصطلاح، حق و مجموع آنها را حقوق می‌نامند. (دانش پژوه، ۱۳۹۳، ص ۶)

## ۲-۵. کودک

کلمه طفل در لغت به معنای کودک و نوزاد و جمع آن، اطفال است. (دهخدا، ۱۳۶۸، ص ۵۶۰) از نظر حقوق، کودک یا طفل کسی است که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده و نمی‌تواند به طور مستقل زندگی و منافع خود را در جامعه حفظ کند (امامی، ۱۳۴۱، ص ۱۹۷). کنوانسیون حقوق کودک، طفل را چنین تعریف می‌کند: «از نظر این کنوانسیون منظور از کودک، افراد انسانی زیر هجده سال است مگر اینکه براساس قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود» (کنوانسیون حقوق کودک، ۱۹۸۹، ماده ۱). از نظر قوانین افغانستان تعریف کنوانسیون حقوق کودک، جامع و کامل تشخیص داده شده و مورد پذیرش قرار گرفته است. قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در مورد تعریف حقوق کودک چنین می‌گوید: «طفل شخصی است که سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد» (قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، ۱۳۸۲، ماده ۴ بند ۱). قانون جزای افغانستان نیز تکمیل سن هجده سالگی را شرط مجازات کامل کودک قرار داده است (قانون جزا، ۱۳۵۵، ماده ۷۲).

## ۲-۶. حق حیات

یکی از مهمترین حقوق کودک، حق حیات است. ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک می‌گوید: کشورهای طرف کنوانسیون، حق ذاتی هر کودک را برای زندگی به رسمیت می‌شناسند، کشورهای طرف کنوانسیون، ایجاد بیشترین امکانات را برای بقا و پیشرفت کودک تضمین می‌کنند. قانون‌گذار کشور افغانستان نیز این حق را در ماده ۲۳ قانون اساسی لحاظ کرده است: «زندگی موهبتی الهی و حق طبیعی انسان است. هیچ شخصی بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی‌شود». ماده ۱۳ قانون حمایت از طفل چنین مقرر می‌دارد: «طفلی که زنده متولد می‌شود از حق طبیعی حیات به عنوان موهبت الهی برخوردار است و براساس احکام این قانون و سایر اسناد تقنینی مورد حمایت قرار می‌گیرد». در بند ۲ این ماده، وزارت خانه‌ها و ادارات ذیربط از دولتی و غیردولتی مکلف شده‌اند که برای تأمین حق حیات و رشد سالم طفل، تدابیر لازم را اتخاذ و عملی کند. این حق همچنین در ماده ۲ اعلامیه اسلامی

حقوق بشر، ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی (ناصرزاده، ۱۳۷۲، ص ۶) تأکید شده است.

## ۲-۷. حق آموزش

ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک در مورد این حق بیان می‌دارد که کشورهای طرف کنوانسیون، حق کودک را نسبت به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند و برای دستیابی تدریجی به این حق و براساس ایجاد فرصت‌های مساوی، اقدامات ذیل را معمول می‌دارند:

(الف) اجباری و رایگان کردن تحصیل ابتدایی برای همگان؛

(ب) تشویق توسعه اشکال مختلف آموزش متوسطه از جمله آموزش حرفه‌ای و کلی، در دسترس قرار دادن این‌گونه آموزش‌ها برای تمام کودکان و اتخاذ اقدامات لازم مانند ارائه آموزش و پرورش رایگان و دادن کمک‌های مالی در صورت لزوم؛

(ج) در دسترس قرار دادن آموزش عالی برای همگان براساس توانایی‌ها و از هر راه مناسب؛

(د) در دسترس قرار دادن اطلاعات و راهنمایی‌های آموزشی و حرفه‌ای برای تمام کودکان؛

(ه) اتخاذ اقداماتی برای تشویق حضور مرتب کودکان در مدارس و کاهش غیبت‌ها.

کشورهای طرف کنوانسیون، تمام اقدامات لازم را برای تضمین اینکه نظم و انضباط در مدارس براساس حفظ شئون انسانی کودکان و براساس کنوانسیون حاضر باشد به عمل خواهند آورد.

کشورهای طرف کنوانسیون، همکاری‌های بین‌المللی را در موضوعات مربوط به آموزش و پرورش به ویژه در زمینه زدودن جهل و بی‌سوادی در سراسر جهان و تسهیل دسترسی به اطلاعات فنی و علمی و روش‌های مدرن آموزشی تشویق و افزایش خواهند داد. در این ارتباط به نیازهای کشورهای در حال توسعه توجه خاصی خواهد داشت.

اعلامیه اسلامی حقوق بشر در ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲۶، اعلامیه جهانی حقوق کودک در اصل ۷ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ماده ۱۳ این حق را به طور مفصل مورد توجه قرار داده‌اند. (امیر ارجمند، ۱۳۸۱، ص ۱۴) این

حق از دو نظر قابل توجه است: یکی اینکه حق آموزش کودک یکی از تکالیف والدین است و آنها باید تمام تلاش خود را در این راه مبذول دارند (قانون احوال شخصیه اهل تشیع، بند ۱، ماده ۱۷۸) و دیگر اینکه وظیفه‌ای است که حکومت که متولی جامعه برای بسترسازی امکانات است باید جامعه را به نقطه‌ای برساند که هیچ کودکی از آموزش بازماند.

قانون‌گذار کشور افغانستان برای تأمین این هدف به پیروی از دستور صریح اسلام به وجوب تحصیل علم و قوانین بین‌المللی در ماده ۴۳ قانون اساسی به این موضوع تأکید کرده است: «تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می‌شود. دولت مکلف است برای تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان و تأمین تعلیمات متوسطه اجباری پروگرام‌های مؤثر وضع و تطبیق کند و زمینه تدریس زبان‌های مادری را در مناطقی که به آنها تکلم می‌کنند، فراهم کند.» (قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، ۱۳۸۲، ماده ۴۳) قانون حمایت از طفل نیز آموزش اطفال را به صراحت در قالب یک حق مورد پذیرش قرار داده و در ماده ۴۸ چنین بیان می‌دارد: «اطفال اعم از پسر و دختر براساس احکام قانون دارای حق مساوی بهره‌مندی از حق پرورش، آموزش و تعلیم و تربیه می‌باشند». این قانون در ماده ۴۸ تعلیمات متوسطه یا اساسی را در افغانستان اجباری دانسته و در بند ۲ آن به صراحت بیان می‌دارد: «تعلیمات دوره‌های قبل از مکتب دوره‌های تعلیمات متوسطه ثانوی، تخنیک، مسلکی، حرفوی، هنری، تعلیمات رسمی اسلامی در مؤسسات تعلیمی و تربیتی دولتی برای اطفال به صورت رایگان تأمین می‌شود». در ماده ۵۰ وزارت معارف (آموزش و پرورش مکلف شده است که برای دسترسی کودکان به آموزش و پرورش تدابیر لازم را اتخاذ کند. در ماده ۵۱ تصریح شده است که هیچ شخص به شمول والدین، سرپرست و کارفرما حق ندارد که مانع آموزش کودک شود و آن را از آموزش محروم کند.

## ۲-۸. حق پرورش

یکی از مهمترین مسئولیت‌های پدر و مادر، تربیت فرزند است. در حقوق اسلامی به مسئله فرزند و تربیت کودکان توجه ویژه‌ای شده و یکی از مهمترین وظایف والدین، پرورش اخلاقی و فکری کودکان است. در قوانین افغانستان نیز به این مهم توجه شده است. قانون احوال شخصیه اهل تشیع در بند ماده ۱۲۳ چنین مقرر می‌دارد: «زوجین مکلفند در تحکیم اساس خانواده و تربیت اولاد با یکدیگر معاونت و همکاری کنند». در بند ۱ ماده ۱۷۸ این قانون تربیت اسلامی یکی از مصادیق حضانت دانسته شده است. قانون مدنی نیز تربیت کودک را مصداق حضانت و متصدی حضانت را مکلف به اجرای آن می‌داند. در قانون حمایت حقوق طفل نیز حق تربیت کودکان مورد توجه قرار گرفته است. در بند ۲ ماده ۱۸ چنین بیان می‌دارد: «کشورهای طرف کنوانسیون به منظور تضمین و اعتلای حقوقی که در این کنوانسیون بیان شده است همکاری‌های لازم را با والدین و قیم‌های قانونی در جهت اجرای مسئولیت‌هایشان برای تربیت کودک خواهند کرد و ایجاد مؤسسات، تسهیلات و خدمات را برای نگهداری کودکان تضمین خواهند کرد» قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک، بی‌تا، ماده ۱۸ بند ۲).

## ۳. حق حمایت در برابر انواع خشونت

در ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک آمده است: «هیچ کودکی نباید تحت شکنجه یا سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی یا مغایر شئون انسانی قرار گیرد. مجازات اعدام و یا حبس ابد بدون امکان بخشودگی رانمی‌توان در مورد کودکان زیر ۱۸ سال اعمال کرد. هیچ کودکی نباید به طور غیرقانونی و خودسرانه زندانی شود. دستگیری، بازداشت و زندانی کردن یک کودک باید مطابق با قانون باشد و به‌عنوان آخرین راه‌چاره و برای کوتاه‌ترین مدت ممکن باید بدان متوسل شد. با کودک زندانی باید به‌خاطر مقام ذاتی انسان، رفتاری انسانی و توأم با احترام داشت به‌طوری‌که نیازهای خاص سن او در نظر گرفته شود. کودکان زندانی به‌ویژه باید از افراد بزرگسال جدا شوند مگر اینکه این امر مغایر مصالح کودک باشد. کودک جز در شرایط استثنایی

حق دارد با خانواده خود به وسیله نامه و ملاقات تماس بگیرد. هر کودک زندانی باید از حق دسترسی سریع به مشاوره حقوقی و یا سایر مساعدت‌های ضروری و حق اعتراض نسبت به مشروعیت زندان شدن خود در برابر دادگاه یا سایر مقامات ذی صلاح، مستقل و بی طرف و تصمیم‌گیری سریع در این‌گونه موارد برخوردار باشد».

بند ۵ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی-سیاسی نیز حکم اعدام را در مورد جرایم ارتكابی اشخاص کمتر از ۱۸ سال غیرقابل اجرا می‌داند. قانون اساسی افغانستان در ماده ۲۹ تعذیب انسان و تعیین جزایی را که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع کرده است هرچند این مواد اشاره به کودک ندارد، اما اطلاق آن شامل کودکان نیز می‌شود.

#### ۴. علل و عوامل بزه‌دیدگی کودکان

##### ۴-۱. عوامل شخصیتی کودک

کودک‌آزاری یکی از پرخطرترین آسیب‌هایی است که کودک در سنین پایین آن را تجربه می‌کند. کودکان در سنین هفت-هشت سالگی به دلیل پرجنب و جوش بودن و اینکه هیچ نوع ملاحظه عقلی را نمی‌دانند بسیار مستعد کودک‌آزاری هستند. در این مقطع سنی، کودک جراحات زیادی می‌بیند. با دیدن ضرب و جرح‌های ناشی از کودک‌آزاری و مراجعه مکرر به پزشک، شخص کودک آزار که بیشتر از نزدیکان کودک است، کوشش می‌کند این خطرات را عادی نشان دهد یا پنهان کند. همین امر موجبات بزه‌دیدگی مجدد کودک را فراهم می‌کند. عوامل دیگری مانند فرزند اول بودن، معلولیت، عقب‌ماندگی ذهنی، کودکان بیش فعال، فرزندخواندگی و... در بزه‌دیدگی کودک نقش بسزایی دارند. (اسدالهی حاجی کرد، ۱۳۸۰، ص ۷۵)

##### ۴-۲. عوامل شخصیتی والدین

والدین در بزه‌دیدگی کودکان نقش مؤثری دارند. عوامل اصلی و مهم در خانواده عبارتند از: عقب‌ماندگی ذهنی والدین، داشتن توقعات بسیار زیاد و بالا از توان و سن کودک، عدم آگاهی از مسئولیت‌ها و تربیت درست کودک، فقر خانواده و نبود امکانات، چندهمسری و....

(اسدالهی حاجی‌کرد، ۱۳۸۰، ص ۷۶) برخی از والدین از اختلالات ذهنی رنج می‌برند و با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند. این مشکلات باعث سوء تعبیر از کودکان می‌شود و در مورد آنها رفتارهای مغرضانه‌ای در پیش می‌گیرند که باعث بزه‌دیدگی خواسته یا ناخواسته کودک خود می‌شوند (باقری یزدی، ۱۳۸۹، ص ۳۵).

#### ۴-۳. عوامل اجتماعی

کودکان بزه‌دیده، بی‌دفاع‌ترین اشخاص نظام‌های سیاسی جهان می‌باشند. مجازات اعدام برای کودکان کم‌سن‌وسال، زندگی در سلول‌های جمعی زندان‌ها و حبس در محیط‌های فردی و جمعی و طولانی شدن مدت زمان بازداشت، وضعیت اسف‌باری را به وجود می‌آورد و کودکان مورد بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند. اگرچه سیستم‌های اجتماعی و خط‌مشی مؤسسات مربوط به نگهداری کودکان برای کمک در مراقبت‌گاه‌های روزانه، پژوهشگاه‌ها و سایر مکان‌هایی که سوء رفتار یا کودک‌آزاری صورت می‌گیرد، وجود دارد اما در این مؤسسات به دلیل کمبود امکانات که مهمترین آن نیروی انسانی برای ارائه خدمات به کودکان است باید امکانات روزبه‌روز بیشتر شود. (پورناجی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۱) برخی از مؤسسات دولتی و غیردولتی برای حفظ منفعت مؤسسه کارهایی انجام می‌دهند که بد رفتاری با کودک محسوب شده و باعث آسیب‌پذیری و بی‌توجهی به کودکان می‌شود. برای مثال در مهدکودک‌ها و کانون‌های شبانه‌روزی نگهداری کودکان برای آرام شدن کودکان به آنها داروهای خواب‌آور یا آرام‌بخش می‌دهند یا در نظافت و تربیت به آنها بی‌توجهی می‌شود (زینالی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۰).

#### ۴-۴. علل زیستی

کودکان و نوجوانان مانند افراد سالمند نسبت به سایر افراد جامعه بیشتر در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند. کودکان چون بیشتر در پی هیجانات جدید و تجربه بازی‌های کودکانه و جدید هستند و بازی‌های خطرناکی را انجام می‌دهند و با توجه به وضعیت خانوادگی در شرایط نامطلوب قربانی بزه می‌شوند که برعکس سالمندان خطر بزه‌دیدگی آنها از ضعف جسمی و

اختلال در مشاعر است. از نظر جنسیت، زنان بیشتر قربانی و بزه‌دیده می‌باشند و آمار بالایی از زنان بزه‌دیده در گزارش‌ها به‌ثبت رسیده است. وضعیت جسمی نیز خطرزا و بزه‌زا است. کاستی‌های جسمی و حالات نابرابر روانی، حالات مستی، مصرف الکل و داروهایی که مصرف مداوم آنها اعتیادآور است به مرور زمان تبدیل به اعمال تهاجمی و بزه می‌شود که عوامل اولیه آن ممکن است از بزه‌دیدگی‌های ناشی از ناتوانی باشد. (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰، ص ۳۹)

#### ۴-۵. علل روان‌شناختی

کودکانی که به صفات نامطلوب مشهور می‌شوند، سهل‌انگار و بی‌توجه می‌شوند و طمع و بخل، اعتماد افراطی، بدگمانی و رفتارهای محتاطانه افراطی در آنها ایجاد می‌شود. از طرفی، تبعیض‌ها در خانه و مدرسه در بین کودکان زمینه بزه‌دیدگی کودکان را فراهم می‌کند. معلولیت جسمی، اشتغال، خیابانی بودن در روان کودک اختلال ایجاد می‌کند و باعث برانگیخته شدن احساسات در کودکان می‌شود که به صورت خواسته یا ناخواسته مورد بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند. (بیگی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱)

#### ۵. حمایت تقنینی و افتراقی از کودکان

حقوق کیفری منعکس‌کننده ارزش‌های بنیادین یک جامعه و دفاع از افراد ضعیف و ناتوان نیز جزو ارزش‌های جامعه است. در سیاست جنایی تقنینی کشورها دفاع از افراد آسیب‌پذیر جامعه از جمله کودکان، نشان‌دهنده این ارزش مهم اجتماعی است. حمایت از قربانیان بزهکار و کمک به آنها باید بخشی از ارزش‌های اساسی جامعه باشد. تعهدات جامعه نسبت به بزه‌دیدگان باید در اعماق نظام کلی آن جامعه نفوذ پیدا کند. از این رو، ایجاد منابع قانونی که حقوق بزه‌دیدگان از آنها تأمین شود اهمیت والایی دارد. اساس رویکرد جدید حقوق جزا در توجه بزه‌دیدگان جرایم و به‌ویژه بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر حاصل مطالعات و یافته‌های علم جرم‌شناسی و شاخه جدید آن یعنی، بزه‌دیده‌شناسی است. بزه‌دیده‌شناسی یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی کاربردی است که در آن جرم‌شناسان برای حل علل و عوامل بزه‌کاری

علاوه بر بزه‌کاران، بزه‌دیده را نیز مطالعه می‌کنند. به‌این‌صورت، حقوق کیفری با بهره‌گیری از مکانیسم و سازوکارهای جرم‌انگاری خاص درصدد رساندن این پیام است که تجاوز و تعدی به حقوق اطفال به‌دلیل وضعیت خاص آنها با عواقب سنگینی مواجه خواهد بود.

حقوق کیفری نه‌تنها به‌دنبال جلوگیری از کاهش تجاوزات به تمامیت جسمانی، روانی، جنسی، اجتماعی اطفال از مکانسیم فوق است، بلکه با نشان دادن توجه ویژه به اطفال در مقایسه با سایرین به‌دنبال ایفای نقش آموزشی-فرهنگی نیز است. با توجه به نقش نمادین حقوق جزا در بازتاب ارزش‌های بنیادین جامعه، توجه خاص و حمایت کیفری افتراقی از اطفال نشانه اهمیت و توجه به حقوق کودکان در جامعه است. به‌همین منظور در اسناد مختلف بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک در حمایت از کودکان و در قوانین داخلی کشورها تلاش‌های زیادی صورت گرفته تا برای جلوگیری از بزه‌دیدگی اطفال حمایت‌های افتراقی صورت بگیرد. در قوانین جزایی افغانستان تا پیش از تصویب کنوانسیون حقوق کودکان، حمایت‌های تقنینی مجزایی برای کودکان در نظر گرفته نشده بود، اما در سال‌های بعد تلاش‌های فراوانی برای ایجاد بستر برای تقنین مقرراتی افتراقی در حوزه کودکان صورت گرفته است. برخی از نتایج آن را می‌توان در قانون مجازات افغانستان که الهام گرفته از مقررات حقوق بشری و در کنوانسیون حقوق کودک است، مشاهده کرد. در این مجموعه قوانین تلاش فراوانی صورت گرفته تا حمایت‌های مناسبی از کودکان و مرتکبین خشونت علیه کودکان صورت گیرد. برای مثال در ماده ۷ و ماده ۱۳ قانون حمایت از حقوق طفل افغانستان، حقوق اطفال، حق ذاتی برای طفل است.

#### ۵-۱. مجازات با خطر مواجه کردن حیات کودکان

در ماده ۶۱۶ کود جزای افغانستان آمده است: «هرکسی مباشرتاً یا معاونتاً به هر طریقی حیات کودک را دچار خطر جدی نماید، مجرم شناخته شده و مجازات تعیین شده برای آنها حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت‌هزار تا یک‌صد و بیست هزار افغانی در نظر گرفته شده است. در صورتی که این شخص یکی از اولیای قانونی کودک باشد از حالات مشدده این

جرم بوده و به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم می‌شود». (وزارت عدلیه افغانستان، ۱۳۴۲، ماده ۶۱۶)

### ۵-۲. مجازات ممانعت از تحصیل و آموزش کودکان

قانون‌گذار کودک، جزا برای افرادی که مانع تحصیل و آموزش کودکان می‌شوند را جزای نقدی و حبس تعیین کرده است. جرم‌انگاری برای بازداشتن کودکان از تحصیل و آموزش و شدت مجازات، نقش بزرگی در بازدارندگی افراد از تضييع حق تحصیل کودکان دارد. در ماده ۶۰۹ ک.ج میزان مجازات این جرم حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی تعیین شده است. (وزارت عدلیه افغانستان، ۱۳۴۲، ماده ۶۰۹)

### ۵-۳. مجازات نسل‌کشی

شخص زمانی مرتکب نسل‌کشی می‌شود که یکی از اعمال ذیل را به‌طور عمدی و برای نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام دهد: قتل اعضای گروه، وارد کردن صدمه شدید جسمی یا روانی به اعضای گروه، قرار دادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن می‌شود، اقداماتی به‌منظور جلوگیری از تولد و تناسل یک گروه صورت گیرد، انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر. (وزارت عدلیه افغانستان، ۱۳۴۲، ماده ۳۳۳) مرتکب جرم نسل‌کشی مندرج در ماده ۳۳۳ این قانون به حبس دوام درجه ۲ محکوم می‌شود. هرگاه جرم نسل‌کشی مندرج فقره ۱ این ماده باعث قتل شود مرتکب به اعدام محکوم می‌شود (کود جزا، ماده ۳۳۴).

### ۶. مجازات لت‌وکوب کردن طفل

شخصی که طفل را مورد لت‌وکوب، تعذیب یا بدرفتاری قرار دهد، اما باعث جراحت یا معلولیت وی نشود به حبس قصیر محکوم می‌شود. هرگاه مرتکب فقره ۱ این ماده سرپرست قانونی طفل باشد به حبس متوسط تا دو سال محکوم می‌شود. (کود جزا، ماده ۶۱۲)

## ۷. مجازات اختطاف

در ماده ۵۹۰ کود جزای افغانستان آمده است: «هرکس با استفاده از قوه زور و یا انواع دیگر ارباب یا به کار بردن حیله و فریب یا استفاده از ناتوانی جسمی و روانی یا تبدیل نمودن طفل یا نوزاد به نوزاد دیگر یا دور نمودن از والدین یا سرپرست قانونی وی یا رها نمودن در محل غیرمسکونی اعم از اینکه چنین اعمال به قصد بهره‌کشی باشد یا رساندن ضرر مطابق احکام این فصل مجازات می‌گردد». (وزارت عدلیه افغانستان، ۱۳۴۲، ماده ۵۹۰)

## ۸. مجازات نوزادربایی

شخصی که طفل نوزاد را از سرپرست قانونی وی دور یا او را پنهان کند یا به طفل دیگری تبدیل کند یا او را به غیرمادرش نسبت بدهد به بیشترین حبس متوسط محکوم می‌شود. (وزارت عدلیه افغانستان، ۱۳۴۲، ماده ۵۹۳) براساس ماده ۵۹۲ کود جزایی افغانستان در صورتی که به طفل صدمه وارد نشده باشد به حبس متوسط محکوم می‌شود. براساس بند ۲ در مورد رها کردن هم جزای رها کردن و هم جزای صدمه داده می‌شود (جعفری، ۱۳۹۸، ص ۱۰۹). رباییش اطفال در مراحل بالاتر رشد و طفل تازه متولد از نظر عنصر روانی، یکسان است. داشتن اراده بیانگر عمد است که جرم آدم‌ربایی محقق می‌شود، اما اگر اختطاف با هدف نجات جان آنها باشد چون قصد سوء وجود ندارد شامل کودک ربایی نمی‌شود (بیگی، ۱۳۸۴، ص ۳۰۹).

## ۹. مجازات قاچاق کودک

قاچاق کودکان در قوانین ایران و افغانستان جرم‌انگاری شده است. نفس قاچاق انسان جرم است و استفاده از کودکان در جرایم مواد مخدر نیز مجزا جرم‌انگاری شده است. رفتار قاچاق چیان مواد مخدر در مورد کودکان به دو بخش تقسیم شده است: اول اینکه، کودکان در معرض مصرف مواد مخدر قرار گیرند؛ دوم اینکه، کودکان در معرض تولید، توزیع و فروش مواد مخدر قرار گیرند (بیگی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۱). ماده ۵۱۰ کود جزای افغانستان قاچاق انسان را این‌گونه تعریف کرده است: «استخدام یا تسلط قرار دادن، انتقال، حمل و نقل، نگهداری یا

دریافت شخص است به منظور بهره‌کشی با استفاده از شیوه تهدید یا استفاده از قوه یا سایر اشکال اجبار، اختطاف، حيله و فریب، سوءاستفاده از نفوذ، سوءاستفاده از حالت آسیب‌پذیری یا مجبوریّت ...» (کودجزا، ماده ۵۱۰). مجازات قاچاق انسان در ماده ۵۱۱ این‌گونه آمده است: «شخصی که مرتکب جرم قاچاق انسان گردد به حبس طویل تاده سال محکوم می‌شود» (کودجزا، ماده ۵۱۱).

### ۱۰. مجازات به‌کارگیری کودک

شخصی که طفلی را در کارهای فیزیکی، ثقیل، مضرصحت، زیرزمینی، شبانه یا اضافه‌کاری استخدام کند یا طفل را برای کار به مسافرت مجبور کند به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی محکوم می‌شود. (وزارت عدلیه افغانستان، ۱۳۴۲، ماده ۶۱۳) براساس فقره ۲ ماده ۶۱۶: «شخصی که طفل را به‌گدایی مجبور سازد در غیر از احوال قاچاق انسان مندرج در این قانون به حبس قصیر محکوم می‌شود» (کودجزا، فقره ۲ ماده ۶۱۶). ماده ۶۲ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان افغانستان مصوب ۱۳۹۷ تصریح می‌دارد: «وزارت خانه‌ها و ادارات دولتی ذیربط مکلف است به منظور جلوگیری از استخدام اطفال در کار به قصد بهره‌کشی‌ها یا کار طاقت‌فرسا شامل سوءاستفاده از اطفال در گدایی و کارهای مضر به سلامت جسمی، ذهنی، روانی، معنوی یا اجتماعی یا کاری که در تعلیم، تربیت و آموزش طفل اخلال وارد نماید تدابیر لازم اتخاذ کند» (کودجزا، ماده ۶۲).

### ۱۱. نتیجه‌گیری

بررسی‌های انجام شده در قوانین نشان می‌دهد که حقوق زیادی برای کودکان به رسمیت شناخته شده است که مهمترین آنها عبارتند از: حق حیات، حق آموزش، حق پرورش و.... در تعیین پایان دوره کودکی در برخی قوانین داخلی اختلاف وجود دارد. در قوانین کشورها برای مقابله با نقض حقوق کودک اقداماتی صورت گرفته است که از جمله این اقدامات در افغانستان تصویب قانون کود جزا و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و ملحق شدن به

کنوناسیون‌های بین‌المللی است. با جرم‌انگاری و تعیین مجازات جرایم علیه کودکان سعی شده است برای اعتلای هرچه بیشتر منافع کودکان و نوجوانان و پیشگیری و انجام نشدن نقض حقوق کودکان گام مهمی برداشته شود، اما به نظر می‌رسد که این قوانین به اندازه کافی بازدارنده نبوده‌اند؛ زیرا هنوز نقض حقوق کودک در کشورها از جمله افغانستان وجود دارد.

### فهرست منابع

۱. ابراهیم منصور، اسحق (۱۹۹۹). نظریات القانون و الحق و تطبیقاتها فی القوانین الجزائریه. الجزائر: دیوان مطبوعات الجامعیه.
۲. احمدی، عید محمد، و صداقت، قاسم علی (۱۳۹۷). حقوق اساسی جمهوری اسلامی افغانستان با تأکید بر قانون اساسی. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.
۳. اسداللهی حاجی کرد، ملیحه (۱۳۸۰). بررسی سوءرفتاروالدین با کودکان در مدارس ابتدایی دخترانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکز.
۴. امامی، سید حسن (۱۳۵۴). حقوق مدنی. تهران: اسلامیه.
۵. امیرارجمند، اردشیر (۱۳۸۱). مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۶. باقری یزدی، عباس، سیاری، علی اکبر، جلیلی، بهرز، شاه محمدی، داود، ایمان زاده، فرید، و کرمی، حسن (۱۳۸۰). بررسی کودک‌آزاری جسمانی در مراجعین به درمانگاه‌های شهر تهران. نشریه توانبخشی، ۳۲ (۵)، ۷-۱۳.
۷. براندن، ناتانیل (۱۳۹۸). روان‌شناسی عزت‌نفس. مترجم: قراچه داغی، مهدی. تهران: نشر نخستین.
۸. بیگی، جمال (۱۳۸۸). بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۹. پورناجی، بنفشه (۱۳۸۷). مرگ خاموش نگاهی به کودک‌آزاری. تهران: انتشارات همشهری.
۱۰. جعفری، اکبر (۱۳۹۸). نوآوری‌های کد جزایی افغانستان در خصوص جرایم ناقض حقوق اطفال. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. قم: دانشگاه قم، دانشکده حقوق.
۱۱. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۳۸۵). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الهدایه.
۱۲. دانش‌پیژوه، مصطفی (۱۳۹۲). مقدمه علم حقوق با رویکرد به حقوق ایران و اسلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۳. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰). بزه‌دیدگی‌شناسی حمایتی. تهران: نشر دادگستر.
۱۴. رسولی، عبدالحسین (۱۳۹۳). اموال و مالکیت در حقوق افغانستان. کابل: دانشگاه ابن سینا.
۱۵. عارفی، مرتضی (۱۳۹۹). شرح جامع قانون حمایت از اطفال و نوجوانان. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۶. علی نظری، جمعه (۱۳۸۸). قانون احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان. تهران: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۷. قییم، عبدالنبی (۱۳۹۳). فرهنگ عربی-فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.
۱۸. محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۳). حقوق قراردادها در فقه امامیه. تهران: سمت.
۱۹. موحد، محمد علی (۱۳۸۱). در هوای حق و عدالت، از حقوق تطبیقی تا حقوق بشر. تهران: نشر کارنامه.
۲۰. ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۲). اعلامیه‌های حقوق بشر. تهران: ماجد.
۲۱. وزارت عدلیه افغانستان (۱۳۴۲). کود جزا. افغانستان: جریده رسمی.